

جلسه "پنجم"	موضوع این جلسه: "تبیین بیانیه گام دوم" جامعه‌الزهر ^(س) تالار بیداری	سلسله نشست های بصیرت افزایی با موضوع تحلیل تطبیقی تاریخ ایران معاصر سخنران: حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر لکزایی
مورخ ۹۸/۲/۴		

با ارائه یک چارچوب تحلیلی، می‌توانیم برخی از مضامین "بیانیه گام دوم" را تحلیل کنیم. الگو و چارچوب نظری که می‌خواهیم برای تحلیل‌مان ارائه کنیم، "حرکت" است. گام دوم انقلاب هم یک حرکت است. گام دوم؛ یعنی حرکتی رو به جلو داشته باشیم. یک گام برداشتیم، یک گام دیگر باید برداریم. پس این یک حرکت است و از مقوله "حرکت" است.

هر حرکتی شش رکن دارد. مبدأ، مقصد و هدف، متحرک، محرک یا محرک‌ها، مسیر یا مکان، مسافت یا زمان. مقام معظم رهبری در این بیانیه گام دوم می‌فرمایند که آنچه انقلاب اسلامی برای بشریت به ارمغان آورد یک حرکت و مسیر جدیدی در برابر حرکت‌های دوگانه‌ی مرسوم یعنی مسیر غربی و مسیر شرقی (مسیر سوسیالیستی و مارکسیستی و مسیر لیبرالیستی و سرمایه‌داری) است.

می‌خواهیم در مورد این شش رکن بحث کنیم و ببینیم در انقلاب اسلامی این شش رکن چگونه بوده است؟ چگونه باید باشد؟ و در حرکت‌های رقیب چگونه بوده است؟

از آن حرکت‌های رقیب، نظام شوروی فرو پاشید و از بین رفت. لذا جبهه‌بندی، دوگانه شده است یک انقلاب اسلامی و دیگری نظام سلطه و استکبار. اگر این دو مقوله را بخواهیم با مقوله حرکت تحلیل کنیم در واقع باید در این شش محور تحلیل کنیم یعنی نظام سلطه مبدأ و مقصدش، محرک و متحرکش و مسیر و مسافتش چیست؟

مبدأ و مقصد انقلاب اسلامی، "توحید" است ولی مبدأ و مقصد نظام سلطه و استکبار "طاغوت" است. اگر بخواهیم مبدأ و مقصد را عملیاتی‌تر توضیح دهیم؛ ذیل توحید و ذیل طاغوت باید توضیح دهیم؛ مثلاً در بحث مقصد، حضرت آقا تأکید زیادی بر "عدالت" دارند و در انقلاب اسلامی "عدالت" جزء مقاصد، تعریف می‌شود ولی در نظام استکباری عدالت جزء مقاصد، تعریف نمی‌شود دلیلش این است که ما اهداف و مقاصد را به اهداف و مقاصد کوتاه مدت - میان مدت - بلند مدت تقسیم می‌کنیم. آرمان نهایی ما قرب الی الله است. اما برای نیل به قرب الهی، باید به حیات طیبه که به تعبیر بیانیه گام دوم، "تمدن نوین اسلامی" برسیم. یعنی یکی از مقاصد ما در این حرکت "تمدن نوین اسلامی" است. برای تحقق تمدن نوین اسلامی به "جامعه سازی اسلامی" احتیاج داریم و برای جامعه‌سازی اسلامی به "خودسازی اجتماعی" نیاز داریم؛ پس این خودسازی، جامعه‌سازی، تمدن‌سازی، حیات طیبه و لقاء الهی همه در مسیر مقصد قرار می‌گیرد. عدالت، استقلال، آزادی نیز همه در مسیر مقصد قرار می‌گیرد منتهی بعضی ابزارهایی هستند که ما را در رسیدن به مقصد کمک می‌کنند و ارزش ابزاری دارند و بعضی ارزش ذاتی دارند. آن چیزی که ارزش ذاتی دارد همان لقاء الهی است که انقلاب اسلامی برای تحقق او بوجود آمده است. پس بقیه اهداف را شما می‌توانید به عنوان اهداف کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت طبقه‌بندی کنید. در مقابل هم در مبدأ هم در مقصد، نظام استکبار و سلطه هست که مخالف توحید، مخالف حیات طیبه و مخالف استقلال انسان‌ها و مخالف آزادی است.

اما در مسئله محرک و متحرک؛ عنصر سوم و چهارم چگونه بر اساس بیانیه گام دوم توضیح داده می‌شود. ما انسان‌ها یعنی مردم ایران و مسلمان‌های جهان و مستضعفان جهان، متحرک هستیم یعنی کسانی که باید بیانیه گام دوم را تحقق بخشند. در این بیانیه باید انسان به حرکت در بیاید لذا باید ببینیم محرک‌هایش چیست؟ ما دو دسته محرک داریم یک محرک‌های معرفتی (دانشی) که از جنس علم و آگاهی است. دسته دوم محرک‌های انگیزشی است که از جنس انگیزه است؛ هم محرک‌های معرفتی و هم محرک‌های انگیزشی دو نوع است.

دو نوع محرک‌های معرفتی چیست؟ یک نوع معرفت، معرفت حقیقی است. یک نوع، معرفت توهمی و کاذب است. علم و معرفت وقتی شیطانی می‌شود کاذب می‌شود؛ نظیر آنچه نظام استکبار انجام می‌دهد یعنی می‌گوید می‌خواهم حقوق بشر را در جهان حاکم کنم. با تروریسم مبارزه کنم. برای کشورها آزادی را به ارمغان بیاورم، به عراق و افغانستان آدمم تا دموکراسی را مستقر کنم. بعد سپاه پاسداران را تروریسم اعلام می‌کند! در سیستم تبلیغاتی خودش، دروغ را ترویج می‌کند. این معرفت شیطانی و کاذب است.

معرفت توحیدی، وحیانی است. از وحی و عقل ناب سرچشمه می‌گیرد. عقلانی و برهانی است. اینکه حضرت آقا، در بیانیه دوم می‌فرماید که اینها تاریخ را تحریف می‌کنند اگر از منابع درست نشناسید، به شکل نادرست به شما منتقل می‌کنند و درباره آینده گرفتار خطاهای مخرب و وحشتناکی خواهید شد، همین مطلب است. در این بیانیه گام دوم روی اینکه باید از محرک‌های معرفتی درست استفاده کنیم مراقب تبلیغات توهمی و کاذبی که از سوی دشمن به ما ارائه می‌شود باشیم، تأکید شده است.

اما محرک‌های انگیزشی دینوع است. برخی از محرک‌های انگیزشی از جنس میل و علاقه هست. برخی از محرک‌های انگیزشی از جنس نفرت و بیزاری است. در محرک‌های انگیزشی توحیدی، گفته می‌شود که به خاطر خدا قیام و حرکت کنید چه فردی و چه گروهی. اما در محرک‌های انگیزشی طاغوتی، حرکت و محرک انگیزشی "لینفس" است. بجای "لله" بودن، "لینفس" است.

اینکه شنیدید بعضی از روایت‌ها که می‌گوید «هل الدین الا الحبّ و البغض» همین است. یعنی کل نظام انگیزشی ما الهی می‌شود. وقتی نظام انگیزشی الهی شد، از مبدأ تا مقصد را الهی طی می‌کند.

همه انسان‌ها محرک‌های معرفتی و محرک‌های انگیزشی را دارند. در این بیانیه، قشر جوان به‌طور ویژه مورد توجه آقا قرار گرفتند. چون آینده دست جوان‌هاست. محرک‌ها هست که نسل جوان را به حرکت درمی‌آورد. این محرک‌ها دو دسته بیشتر نیست یک دسته محرک‌های معرفتی که اگر خدای نکرده گرفتار محرک‌های معرفتی طاغوتی شوند، در این شبکه‌های اجتماعی، ماهواره‌ها، در این پمپاژ رسانه‌های خبری می‌بینید که محرک‌های انگیزشی اینها را هم در اختیار گرفتند. و این جوان دیگر با انگیزه‌های الهی حرکت نمی‌کند. یک چیزهای دیگری را دوست دارد. از چیزهایی بدش می‌آید که برای ما تعجب‌آور می‌شود!

اما مسیر و مسافت، زمان و مکان، زمان در این بیانیه گام دوم هر چند تصریح نشده اما مقام معظم رهبری ^{حفظه‌الله} در مورد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت فرمودند که پنجاه سال در نظر گرفته شود. به نظر می‌رسد که این بیانیه گام دوم با فرمایش آقا فهم شود حدوداً پنجاه و دو سال آینده را در نظر می‌گیرد که برای تمدن‌سازی زمان زیادی نیست. البته عرض کردم بحث ظهور هم مدّ نظر قرار گرفته است. که همه این اقدامات ما باید معطوف به ظهور خورشید وجود نازنین حضرت باشد.

مکان، ایران است. یعنی گرانیگاه اصلی این حرکت قرار است که ایران باشد و مناطق دیگر در شعاع ایران قرار می‌گیرد. اما توصیه‌هایی که آقا در پایان آوردند دیگر همه قابل تطبیق است من برای شما مختصر تطبیق می‌دهم.

توصیه اولشان علم و پژوهش است. علم و پژوهش محرک معرفتی است. توصیه دوم معنویت و اخلاق است. که محرک انگیزشی است. توصیه سوم بحث اقتصاد است. اینکه ما به اقتصاد مقاومتی رو بیاوریم. اقتصاد مقاومتی بخشی در محرک معرفتی راه دارد و بخشی در محرک‌های انگیزشی. توصیه چهارم عدالت و مبارزه با فساد که جزء مقصد و اهداف قرار می‌گیرد و گفتیم جزء اهداف میان مدت است. مبارزه با فساد یک ابزار است. اگر می‌خواهیم به عدالت برسیم باید با فساد مبارزه کنیم. توصیه پنجم استقلال و آزادی که جزء مقصد و اهداف است. توصیه ششم عزت ملی، روابط خارجی، مرزبندی با دشمن هم جزء محرک‌های معرفتی است. تویی و تبری که گفتیم جزء محرک‌های انگیزشی بود و هم جزء مقصد است. توصیه هفتم سبک زندگی که بحث زیادی دارد باید در فرصت دیگری جداگانه توضیح دهیم.

"والسلام علیکم"